

ماهیت و فرایند آینده پژوهی علوم انسانی اسلامی

علی اصغر سعدآبادی

استادیارگروه سیاست‌گذاری علم و فناوری، پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

a_sadabadi@sbu.ac.ir

زهره رحیمی‌راد

دانش‌آموخته دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

zrahimi.rad@gmail.com

حسین عظیم‌زاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع و سیستم‌ها، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

hossein_azimzadeh7@yahoo.com

چکیده

به راحتی می‌توان ادعا کرد که علوم انسانی غربی، با یافته‌ها و اظهاراتش، دست‌کم در موارد فراوانی با دین و ارزش‌های دینی و فرهنگی ما در تضاد و تقابل است؛ زیرا علوم انسانی موجود براساس مبانی و تفکرات اومانیستی، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انسان غربی طراحی، تولید و تدوین شده است. از این رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی کردن آنها بیش از پیش بر همگان محرز می‌شود. این موضوع از همان سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی به‌عنوان مسئله‌ای اساسی مورد توجه بوده است و علاوه بر آن، توجه به علوم انسانی، همواره از مطالبات جدی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بوده است.

از آنجاکه علوم انسانی اسلامی، به‌عنوان روح همه علوم، می‌تواند به علوم دیگر جهت دهد و آنها را علاوه بر شئون مادی، در جنبه‌های معنوی انسانی نیز اثربخش سازد، در این پژوهش کوشیده‌ایم به این موضوعات بپردازیم: تبیین لزوم

آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌های ایران؛ نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی؛ فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی اسلامی براساس نظر جوزف وروس.
کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی اسلامی، جوزف وروس^۱.

مقدمه

تغییر و تحول یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته است و خواهد داشت. این تغییرات، در آینده مسئله‌هایی را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... برای جامعه ایجاد خواهند کرد که نشانه‌های پیدایش آنها در زمان حال نیز مشهود است.

مسئله‌های پیش رو در محورهای پرشماری درخور توجه است:

- مسئله‌های اجتماعی (گسترش فقر و ناامنی، بی‌اعتبار شدن ارزش‌ها و سنت‌ها در نظام شهری و ...):
- مسئله‌های فرهنگی (شکل‌گیری بنیان‌های جدید فرهنگی براساس اختلاط فرهنگ‌ها، دگرگونی در روابط خانوادگی، شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی نوین و ...):
- مسئله‌های سیاسی (گسترش گرایش‌های مذهبی، قومی و ملیتی در بین جوامع و ...):
- مسئله‌های اقتصادی (ورشکستگی اقتصادهای بزرگ جهانی، افزایش درخواست انرژی، تنوع تولیدات، کاهش درآمد مردم و ...):
- مسئله‌های علمی (رشد صنایع فکری، رشد نقش دانایی در ارزش‌افزایی سرمایه، غلبه نرم‌افزار بر سخت‌افزار در امور اجتماعی و ...):
- مسئله‌های نظامی (اختراعات نو در صنایع نظامی، پیچیده‌شدن شیوه‌های دفاعی، شکل‌گیری شیوه‌های جدید جنگ و دفاع و ...).

همان‌گونه که از این محورها برمی‌آید مسئله‌های پیش رو، تمام عرصه‌های علوم را دچار دگرگونی خواهد کرد. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، به‌عنوان آینده‌نگری برجسته، ضرورت نگاه به آینده را تشخیص داده و گوشزد نموده‌اند: «... چه بسا

1. Joseph Voros.

شیوه‌های رایج اداره امور مردم، در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

پایه‌ها و مبانی پیشرفت و استقلال هر کشوری در نظام آموزشی و پژوهشی آن قرار دارد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران، علوم انسانی در این نظام سهمی حیاتی و نقشی اساسی دارد. نقش آشکار علوم انسانی در تبیین مبادی و مبانی علوم تجربی و ریاضی، مؤید جایگاه خطیر علوم انسانی است و علوم انسانی عامل تعیین‌کننده اهداف، غایات و روش استفاده علوم دیگر است. چنان‌که علوم دیگر به لحاظ نظری و ارزشی و کاربردی، محاط بر علوم انسانی و در آن غوطه‌ورند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). علوم انسانی وظیفه مطالعه و بررسی انسان، رفتار و ابعاد زندگی وی را بر عهده دارد و مسئول ارائه راهکارهای مفید و کارآمد برای زندگی بهتر و کامل‌تر اوست. مسلماً تولید و تقویت این علوم و ارتقای جایگاه آنها نقش بسزایی در رشد و تعالی کشور، جامعه، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی آن خواهد داشت.

علوم انسانی رایج امروز، که خاستگاه آنها بیشتر غرب است، محتواهایی دارد که ماهیت معارض و مخالف با آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی دارد؛ زیرا این علوم بر جهان‌بینی مادی متکی بوده و با روش متفاوت، اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کنند. به راحتی می‌توان ادعا کرد که علوم انسانی غربی با یافته‌ها و اظهاراتش، دست‌کم در موارد فراوانی با دین و ارزش‌های دینی و فرهنگی ما متضاد و در تقابل است؛ زیرا علوم انسانی موجود بر اساس مبانی و تفکرات اومانیستی، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انسان غربی طراحی، تولید و تدوین شده‌اند. از این‌رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی کردن آنها، بیش‌ازپیش بر همگان محرز است.

بنابراین، بازنگری در مبانی و محتوای علوم انسانی و به عبارتی اسلامی‌کردن آنها، یکی از ضرورت‌های جامعه اسلامی کشور ماست که باید مبنای سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای علمی پژوهشی کشور قرار بگیرد. امروزه بیشتر مسئولان، اندیشمندان و محققان بر اهمیت و ضرورت اسلامی‌کردن آنها و به عبارتی، تحول و انقلاب در این علوم توافق دارند.

علوم انسانی اسلامی، دیدگاهی است که از تأکیدهای امام خمینی (ره) بر اسلامی‌کردن دانشگاه و سفارش‌های مکرر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر تولید علوم و نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ دینی و بومی نشئت گرفته است.

روشن و درخشان بودن آینده علوم انسانی اسلامی، شوق دانشمندان را برای تلاش و مجاهده

افزایش و در مقابل، تیره‌وتار دیدن آینده این علوم، انگیزه‌ها را کاهش می‌دهد. بر این اساس است که یکی از اهداف دشمن در جنگ نرم نیز به همین موضوع تعلق گرفته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در این زمینه می‌فرماید:

[می‌خواهند] باورهای این مردم را عوض کنند؛ هدف جنگ نرم، تغییر باورهاست. باورها مثل چه چیزهایی؟ ... باور به آینده، ... امید به آینده، باور به آینده، اینکه ما بالأخره این جور خواهیم شد؛ این جور خواهیم شد؛ اینها خیلی مهم است. بنده بنشینم اینجا و به مخاطبین - که قبول هم می‌کنند - بگویم شما باید کاری کنید که پنجاه سال دیگر، چهل سال دیگر، هرکس بخواهد به پیشرفت‌های علمی دست اول دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی یاد بگیرد؛ این یک آینده است، یک آینده مشعشع است؛ این را جوان قبول می‌کند، می‌پذیرد، فکر می‌کند این کار شدنی است که واقعاً هم شدنی است، قطعاً شدنی است. [می‌خواهند] این باور به آینده را تغییر بدهند؛ [که] آقا فایده ندارد، آقا بی‌خودی حرکت می‌کنید. پس تغییر باورها، از جمله باور به آینده است (هلودی، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

روند کنونی پیشرفت کشور نیز نشان می‌دهد نیاز جدی به نظریات بومی و کاربردی در حوزه علوم انسانی اسلامی، به شدت در فضای مدیریتی جامعه احساس شده است و نقطه تمرکز علمی کشور به زودی به رشته‌های علوم انسانی اسلامی منتقل خواهد شد. به همین دلیل می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نزدیک شاهد مطالبه و توجه جدی همه حوزه‌های اجرایی و مدیریتی کشور به متخصصان و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون علوم انسانی اسلامی خواهیم بود.

بی‌شک، ایجاد تغییرات مطلوب و رسیدن به آینده موردنظر در علوم انسانی اسلامی، نیازمند پیش‌بینی آینده از حیث شناخت عوامل مؤثر بر تغییرات در این حوزه است. شناسایی حوزه‌های ارزش‌آفرین در آینده علوم انسانی اسلامی، شمارش فضاهای بهبود و رشد در آینده، شناخت نیازهای ذی‌نفعان آینده علوم انسانی اسلامی و سازگاری به‌موقع با تغییرات، بخشی از الزامات شناخت آینده علوم انسانی اسلامی است. با وجود اهمیت علوم انسانی اسلامی در بین علوم گوناگون در کشور، تاکنون پژوهش‌های اندکی به پرسش‌ها و موضوعات زیر توجه داشته‌اند.

- ضرورت آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی چیست؟
- جهت آینده علوم انسانی اسلامی به چه صورتی است؟
- مؤلفه‌های تاثیرگذار در این حوزه کدام‌اند؟
- علوم انسانی اسلامی چه اهدافی را در آینده دنبال خواهد کرد؟

• چه ابزارهایی برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی وجود دارد؟

با توجه به پرسش‌های پیش‌گفته و به‌منظور پاسخ‌گویی به تعدادی از این پرسش‌ها، در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم به این موضوعات بپردازیم: تبیین لزوم آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌های ایران؛ نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی؛ فرایند آینده‌نگاری علوم انسانی اسلامی بر اساس نظر جوزف وروس.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهی در پی آن است که با بهره‌گیری از تحلیل وضعیت موجود، شناسایی سازوکارهای تغییر و تعریف سناریوهای گوناگون، توسعه و بهبود را در آینده‌های محتمل و ممکن پیش‌بینی کند. تصمیم‌های خوب به‌طور کامل به دورنگری بستگی دارد. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت است؛ در این دنیای پر تغییر، دیگر سنت‌های قدیمی شکل‌دهنده آینده ما نیستند، بلکه ما خود باید آینده‌مان را بیافرینیم تا بتوانیم خود، سازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده سازیم (واعظی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۳).

نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب تحلیلی علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ میلادی و از سوی گروهی از محققان به سرپرستی آگبرن^۱ در زمینه جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. پس از آن، استادی آلمانی به نام اوسپ^۲ از اواسط دهه ۱۹۴۰ میلادی اصطلاح «آینده‌شناسی» را باب کرد که به معنای مطالعه آینده و در نظر گرفتن احتمالات پیش رو بود (تیشه‌بار، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

از جمله مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از: پویش محیطی؛ تحلیل تأثیرات متقابل؛ تحلیل تصمیم؛ مدل‌های تصمیم‌گیری؛ روش دلفی؛ اقتصادسنجی؛ حلقه آینده‌ها؛ بازی‌سازی و شبیه‌سازی؛ پیش‌بینی هوشمندانه و شهود؛ تحلیل ریخت‌شناسی؛ روش‌های مشارکتی؛ درخت‌های وابستگی؛ سناریوها؛ مدل‌سازی آماری؛ پویایی سیستم؛ تحلیل ساختاری؛ تحلیل زنجیره فناوری؛ پیش‌بینی‌های سری‌های زمانی؛ تحلیل و تأثیر روند؛ تحلیل لایه‌ای علت‌ها؛ مدل‌سازی عاملی؛ کاهش ناهم‌سانی زمینه‌ای؛ نگاشت مسیر؛ متن‌کاوی (کراوزیچ و اسلاگتر، ۲۰۱۰، ص ۷۶).

یکی از ضرورت‌های کنونی کشورها توجه ویژه به پیش‌بینی شرایط آینده و تعیین استراتژی متناسب با آن است. آینده‌پژوهی در کشور ما نیز می‌تواند در حوزه‌های گوناگونی همچون علم، سیاست، انرژی، اقتصاد، آموزش و الگوی اسلامی ایرانی انجام شود.

1. Ogunum.
2. Osipp.

یکی از بخش‌هایی که پژوهش‌های اندکی در آن انجام شده، آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی اسلامی کشور است؛ علوم انسانی به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که یا مرتبط با سرشت انسانی و فرهنگ اوست یا مجموعه‌ای از روش‌های انتقادی و تحلیلی برآمده از تحقیق درباره ارزش‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد اوست. این علوم به‌عنوان رشته‌ای دانشگاهی از حیث محتوا و روش، از علوم طبیعی و علوم زیستی متمایز هستند. علوم انسانی شامل مطالعه همه زبان‌ها و ادبیات، هنرها، تاریخ و فلسفه است (عبدی، ۱۳۹۲، ص ۲). آینده‌پژوهی اسلامی نیز نسخه بدیل آینده‌پژوهی رایج است که تاکنون در عمل شکل نگرفته است. برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی باید توجه داشت که آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و بستر این دو، نگرش حاکم بر جامعه است. این سه، نظامی را با عنوان نظام نگرش آینده‌پژوهی شکل می‌دهند که ترسیم‌کننده ابعاد نظری و کاربردی آینده‌پژوهی است.

آینده‌پژوهی اسلامی در قالب نظام نگرش آینده‌پژوهی اسلامی شکل می‌گیرد. نظام‌های رایج و اسلامی به‌طور کامل، مستقل از یکدیگر نیستند و افزون بر وجوه افتراق، دارای وجوه اشتراکی نیز هستند. البته در مبانی و سطوح کلان، اشتراکات ناچیز است. ضمن آنکه دین مبین اسلام تنها عامل اصلی و اساسی تفاوت این دو نظام به‌شمار نمی‌رود، شرایط و اقتضائات زمانی و مکانی شکل‌گیری نظام نگرش آینده‌پژوهی اسلامی نیز سبب آشکار شدن تفاوت‌هایی بین این دو نظام می‌شود (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۴، ص ۷۷).

در ادامه، به‌منظور آگاهی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، جامعه مطلوب اسلامی و همچنین آینده‌پژوهی با رویکرد اسلامی، به تعدادی از این پژوهش‌ها (به‌ترتیب تاریخ انجام) اشاره می‌کنیم.

۱. فاضل قانع (۱۳۸۸) آینده‌پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی را بررسی کرده است. در این پژوهش آمده است که اسلام نیز علاوه بر جامعه آرمانی، که نوید تحقق آن را در فرجام تاریخ داده است، از پیروان خود انتظار دارد با الهام از شاخص‌های آن جامعه آرمانی، به اقتضای امکانات و توانمندی اجتماعی خود، بکوشند تا در روندی تکاملی، حداقل‌هایی از ویژگی‌های جامعه مطلوب اسلامی را محقق سازند. می‌توان با الهام از آموزه‌های اسلامی همچون سنت‌های اجتماعی و صبغه عبرت‌آموزی آن و فلسفه انتظار، نوعی آینده‌پژوهی دینی را استخراج نمود که حاصل آن، ترسیم چشم‌اندازی دقیق از آینده‌ای آرمانی باشد. با هدف قرار دادن این آینده مطلوب، می‌توان آینده‌های مقدور را به‌عنوان حلقه‌های میانی نیل به ویژگی‌های جامعه آماده ظهور، طراحی و تعریف کرد (فاضل قانع، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

۲. عیوضی و پدرام (۱۳۹۰) نقش آینده‌پژوهان در شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی را تبیین کرده‌اند. آنها ابتدا اهمیت و جایگاه والای آینده‌پژوهان در فرایند آینده‌پژوهی را ارائه کرده‌اند و سپس با برشمردن ویژگی‌های مشترک آینده‌پژوهان، نقش آینده‌پژوهان در بومی‌سازی آینده‌پژوهی را بررسی کرده‌اند. آینده‌پژوهان اسلامی، یکی از مؤلفه‌های طراحی آینده‌پژوهی اسلامی‌اند. آینده‌پژوهان اسلامی افزون بر ویژگی‌های مشترک آینده‌پژوهان، باید باورها و توانمندی‌های دیگری داشته باشند تا بتوانند آینده‌پژوهی اسلامی را شکل دهند. این ویژگی‌ها در این پژوهش معرفی شده‌اند و تفاوت‌های آینده‌پژوهان اسلامی و سکولار آشکار و نشان داده شده است. آینده‌پژوهی اسلامی بدون آینده‌پژوهان اسلامی شکل نخواهد گرفت (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

۳. میرزاپور ارمکی (۱۳۹۰) اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن را بررسی کرده است. او یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ و نگرش بنیادی حاکم بر جامعه را مبانی و مفاهیم علوم انسانی می‌داند که از طریق نظام دانشی در بستر جامعه بسط می‌یابد. علوم انسانی مهم‌ترین عنصر تمدنی انسجام‌ساز است؛ زیرا مهم‌ترین رسالت علوم انسانی، سیاست‌گذاری کلان در جامعه است. به عبارت دیگر، سیاست‌گذاری درباره علوم انسانی به معنای «سیاست‌گذاری سیاست‌گذاری» است. در این پژوهش، ضمن تبیین اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی موجود و آسیب‌شناسی وضعیت علوم انسانی موجود، مناسب‌ترین راهکار در راستای تحول علوم انسانی موجود و تولید علوم انسانی اسلامی نیز ارائه شده است (میرزاپور ارمکی، ۱۳۹۰، ص ۶۹).

۴. محیطی اردکان و مصباح (۱۳۹۱) پژوهشی را درخصوص بایدها و نبایدهای اسلامی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح انجام داده‌اند. در این پژوهش با بررسی آثار علامه مصباح، کوشیده‌اند پس از تبیین دو کلیدواژه «علوم انسانی» و «علوم انسانی دینی» و نیز مروری بر ضعف‌های علوم انسانی موجود، به بررسی ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی و موانع و راهکارهای پیش روی علوم انسانی اسلامی بپردازند. در پایان نیز به شرایط عام اسلامی‌سازی علوم از دیدگاه علامه مصباح پرداخته‌اند (محیطی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷).

۵. تقوی (۱۳۹۲) علوم انسانی اجتماعی اسلامی و تحقق آرمان علوم انسانی اجتماعی اسلامی را بررسی کرده است. این پژوهش از دو بخش تشکیل شده است: در بخش نخست، به اختصار، دلایلی برای امکان‌پذیری علم انسانی اجتماعی اسلامی و در بخش دوم، بسته‌ای راهبردی برای تحقق آرمان علوم انسانی اجتماعی اسلامی ارائه شده است. راهبردهای پیشنهاد شده عبارت‌اند از: ۱. تبیین ضرورت علوم انسانی اجتماعی اسلامی؛ ۲. تبیین مبانی، نظریه‌ها و روش‌های برآمده از

دین در حوزه علوم انسانی اجتماعی؛ ۳. تقویت فعالیت‌های سیاست‌گذارانه در عرصه علوم انسانی اجتماعی؛ ۴. تقویت و جهت‌دهی جامعه علمی کشور در این حوزه از علوم؛ ۵. بهره‌برداری از علوم انسانی اجتماعی به دست آمده با رهیافت اسلامی (تقوی، ۱۳۹۲، ص ۹۷).

۶. عیوضی و پدرام (۱۳۹۳) امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی را بررسی کرده‌اند. آنها آینده‌پژوهی اسلامی را نسخه نو و بدیل آینده‌پژوهی برمی‌شمارند که افزون بر سازگاری با جهان‌بینی اسلامی، از آموزه‌های اسلام به شیوه‌ای حداکثری بهره می‌گیرد. این نسخه از آینده‌پژوهی تاکنون شکل نگرفته است و برای عینیت بخشیدن به آن، مسیری طولانی در پیش است. گام نخست، توجیه امکان‌پذیری آینده‌پژوهی اسلامی است؛ زیرا بیشتر آینده‌پژوهان این دانش را سکولار می‌دانند. پس از آن، باید مسیر تحقق آینده‌پژوهی اسلامی را ترسیم کرد (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

۷. میرنصیری و ساجدی (۱۳۹۵) هدف علوم انسانی اسلامی از منظر علامه طباطبایی را بررسی و پژوهش کرده‌اند. از منظر علامه طباطبایی، هدف‌هایی که محققان برای پژوهش در علوم انسانی برمی‌گزینند، نقش بسزایی در چگونگی تدوین، انتخاب روش و تعیین نوع مسائل علوم انسانی دارد. هدف از تحقیق تا حدی به ماهیت موضوع و انگیزه‌ها و ارزش‌های پذیرفته‌شده از سوی محقق وابسته است. دیدگاه متفاوت محققان اسلامی درباره ماهیت موضوع و همچنین اتخاذ ارزش‌های اسلامی پذیرفته‌شده از سوی ایشان، علوم انسانی اسلامی را تا اندازه‌ای متفاوت با علوم انسانی موجود به تصویر می‌کشد.

علامه طباطبایی به‌عنوان یکی از بارزترین متفکران اسلامی، در برخی مسائل علوم انسانی نظریه‌پردازی کرده است. توجه به رویکرد ایشان و همچنین دقت در قرآینی که در نظریه اعتباریات ایشان وجود دارد، ما را به این امر رهنمون می‌کند که علوم انسانی از منظر ایشان بر علوم عملی، تطبیق‌پذیرند. در نتیجه، هدف نهایی علوم انسانی، ارائه بایدها و نبایدهایی برای تحقق نظام آرمانی اسلامی است؛ نظامی که در آن، شرایط برای تکامل فرد و جامعه به‌طور مطلوب و طبق آموزه‌های ارزشی دین مبین اسلام فراهم است. از منظر ایشان، علاوه بر تبیین و تفسیر، انتقاد و ارائه هنجارهای مطلوب نیز به‌منظور ترسیم نظام آرمانی در زمره اهداف علوم انسانی قرار می‌گیرد (میرنصیری و ساجدی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹).

۸. عرب و عیوضی (۱۳۹۶) از طریق مطالعه روش‌شناسی آینده‌پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه، به بررسی آینده‌پژوهی در نظام مدیریت اسلامی پرداخته‌اند. هدف این پژوهش اجرای بخشی از امکان‌سنجی آینده‌پژوهی اسلامی (در نظام مدیریت اسلامی) از طریق بررسی روش‌شناسی

آینده پژوهی (از حیث الزامات روش شناسی) و مطالعه تطبیقی آن با اجتهاد در فقه امامیه است. پژوهش ایشان نشان داد که اولاً، روش شناسی اجتهاد می تواند بخش زیادی از الزامات روش شناسی آینده پژوهی را (حتی بیش از دیگر الگوواره ها) پاسخ گوید؛ ثانیاً، در مسیر تحقق آینده پژوهی در نظام مدیریت اسلامی، حد لازم از تناسب و تناظر در لایه روش شناسی، بین مطالعات آینده پژوهی و روش اجتهاد در مطالعات اسلامی وجود دارد (عرب و عیوضی، ۱۳۹۶).

۹. منطقی و همکاران (۱۳۹۶) مدل مفهومی روش شناسی آینده پژوهی اسلامی را ارائه کرده اند. مدل روش شناسی آینده پژوهی اسلامی که در این پژوهش ارائه شده است، ترکیبی از روش شناسی های تحلیلی و تفسیری و شهودی است. هریک از روش شناسی های پیش گفته در آینده پژوهی اسلامی اهمیتی ویژه دارد و امکان بهره مندی هم زمان از دو یا چند روش به طور ترکیبی در آینده پژوهی اسلامی نیز وجود دارد (منطقی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۵۲).

۱۰. کریمی (۱۳۹۶) به بررسی مبانی انسان شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم پرداخته است. براساس یافته های پژوهش او، برای تولید علم در هریک از رشته های علوم انسانی، ویژگی های انسان، ظرفیت های خاص او و عوامل تکامل و انحطاطش باید روشن شود. اینها همه می تواند در نوع، کیفیت و نتایج علوم انسانی اثرگذار باشد. به همین دلیل، مبانی انسان شناختی علوم انسانی غربی با مبانی انسان شناسی علوم انسانی اسلامی متفاوت است. علوم انسانی نشئت گرفته از غرب، نتایج و عواقبی را برای فراگیران و دانشمندان این کشورها در بر خواهد داشت که در موارد زیادی با فرهنگ، دین، ارزش ها و هنجارهای جامعه اسلامی در تعارض است.

کریمی برای حل این مسئله، بخشی از مبانی علوم انسانی را با استناد به قرآن کریم بررسی کرده است. مبانی ای که به شناخت انسان و ویژگی های او مربوط می شود و می تواند دستاوردهای علوم انسانی را تغییر دهد و درعین حال، در آثار موجود به طور نظام مند به آنها پرداخته نشده است. در این پژوهش شش مبنا بررسی شده است که از مهم ترین مبانی انسان شناختی در علوم انسانی اسلامی هستند و می توانند سرنوشت علوم انسانی موجود را تغییر دهند (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱).

۱۱. همدانی (۱۳۹۹) به تحلیل یکی از ساحت های بسیار مهم در علوم انسانی اسلامی پرداخته است که ظرفیت زیاد و منحصر به فردی در به کار انداختن منابع اسلامی برای تولید علوم انسانی دارد؛ یعنی نظریه هنجاری. این پژوهش فرایند تولید نظریه هنجاری اسلامی در علوم انسانی را در هفت مرحله تحلیل کرده است: شناخت مشکل اجتماعی؛ تولید پرسش هنجاری؛ عرضه کردن پرسش هنجاری به مبانی مفهومی علوم انسانی، تحلیل های عقلی و پاسخ خواهی از ایشان؛ تولید پرسش های تفصیلی صورت بندی شده براساس مدل مفهومی؛ عرضه کردن پرسش

هنجاری تفصیلی به متون اسلامی؛ تولید نظریه هنجاری براساس مبانی پارادایمی اسلامی در شش بُعد، یعنی بیان الگوهای کنشی، الگوهای ترغیبی، الگوهای تحذیری، بیان هنجارها، بیان آثار و بیان محتوا؛ عرضه دوسویه نظریه هنجاری و واقعیت عینی بر یکدیگر (همدانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱).
 با مرور پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون، می‌توان دریافت که در هیچ‌یک از آنها به مسئله آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی توجه ویژه‌ای نشده است و به تبع، فرایندی نیز برای آن وجود ندارد؛ به این سبب و در شرایطی که تحول در علوم انسانی و سیاست‌گذاری کشور در جریان است، استخراج فرایندی برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، امری ضروری به نظر می‌رسد. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با تدوین نقشه راه تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی که از سویی فرایند و مسیر تولید علوم انسانی از ابتدا تا گام‌های نهایی را در قالب الگویی اجرایی و معین ارائه کند و از سوی دیگر، وظایف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی گوناگون و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مؤثر در این حوزه را مشخص نماید.

آینده‌پژوهی و علوم انسانی اسلامی

آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی به چند دلیل ضرورتی ویژه دارد: جایگاه خاص آن در بین دیگر علوم و معارف به‌طور عام؛ موقعیت خاص علوم انسانی اسلامی در برابر صنعت و تکنولوژی؛ موقعیت ارزشی علوم انسانی اسلامی در برابر دیگر علوم و صنایع. آینده‌پژوهان در هر حوزه و قلمرویی می‌کوشند با تصویر کردن شمار هرچه بیشتری از آینده‌های ممکن (در حد توانایی ذهنی خود؛ زیرا آینده‌های ممکن، نامتناهی اند) برای مشخص کردن آینده‌های محتمل از درون این آینده‌های ممکن زمینه‌سازی کنند. آن‌گاه از بین این آینده‌های محتمل، مطلوب‌ترین و نامطلوب‌ترین آینده‌ها شناسایی و کوشش می‌شود تا برای تحقق دسته نخست و جلوگیری از وقوع دسته دوم، برنامه‌ریزی‌های مناسبی انجام شود. در مطالعات آینده‌پژوهی دست‌کم می‌توان دو رویکرد گوناگون را درباره آینده علوم انسانی اسلامی مطرح کرد (شکل ۱).

رویکردهای
گوناگون
در آینده
علوم انسانی
اسلامی

رویکرد نخست به آینده پژوهی اکتشافی برمی گردد. این پرسش مطرح است که با توجه به روندهای موجود و وضعیتی که علوم انسانی اسلامی با آن روبه روست، آینده علوم انسانی اسلامی چگونه خواهد بود؟ این پرسشی اکتشافی است و آینده پژوهی اکتشافی به آن می پردازد. آینده پژوهی اکتشافی دغدغه آن را دارد که با تحلیل روندهای موجود، در عمل بتواند سیر تحولات آینده را پیش بینی کند. در اینجا نوعی پیش یابی یا پیش گویی درباره ادامه روندهایی است که از گذشته تاکنون در حال جریان بوده اند. این را به آینده پژوهی اکتشافی تعبیر می کنیم.

از رویکرد دیگری هم می توانیم به علوم انسانی و وضعیت آن در آینده نگاه کنیم: رویکرد تجویزی به این معنا که آینده علوم انسانی اسلامی چگونه باید باشد و وضعیت مطلوب علوم انسانی اسلامی برای جامعه ای خاص چیست؟ در اینجا آینده پژوهی هنجاری یا تجویزی انجام می شود. در آینده پژوهی تجویزی با استناد به روندهای موجود، گزینه هایی که می تواند در آینده پیش روی ما باشد، شناسایی و سعی می شود یکی از آن گزینه ها که بیشترین تناسب را با خواسته ها، امیال، آرزوها و رویاهای آن جامعه دارد، پردازش، تعریف و شناسایی شود. آینده پژوهی تجویزی هم به نوعی مبتنی بر روندهای موجود است، اما درصدد است آینده مطلوب را در امتداد یا تغییر روندهای موجود ایجاد کند.

شکل ۱. رویکردهای گوناگون در آینده علوم انسانی اسلامی

محققان «آینده پژوهی علم» را تلاشی نظام مند به منظور نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، اقتصاد و جامعه با هدف شناسایی حوزه های پژوهشی استراتژیک و نوظهور معرفی می کنند؛ به گونه ای که شناسایی چنین حوزه هایی می تواند به بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی منجر شود. آینده پژوهی علم در اصل رویکردی است که از جبرگرایی حاکم بر مطالعات تاریخی یا قطعیت گرایی رایج در مطالعات اثباتی درباره پیش بینی های انجام شده پرهیز می کند و روندهای آینده را در چهارچوب حدس های احتمالی صورت بندی می نماید.

بسیاری از شاخه های علوم انسانی اسلامی از نظر ماهیتی نیاز به آینده اندیشی و آینده نگری دارد. برای مثال، تصمیم گیری و خط مشی گذاری مقوله ای آینده نگرانه است. تصمیم گیری و خط مشی گذاری مستلزم ساختن تصاویری از واقعیت های بدیل و سپس انتخاب یکی از تصاویر به منزله تصویر مطلوب است. آینده پژوهی می تواند بستر مناسبی را برای ساختن و خلق تصویر آینده مطلوب در مطالعات علوم انسانی اسلامی فراهم کند و همواره ذهن محقق علوم انسانی اسلامی را به آینده و گذار از وضع موجود معطوف سازد. برای پیشبرد این مقصود خود، یعنی آمیختن علوم انسانی اسلامی با آینده پژوهی، پنج شرط را باید در نظر گرفت:

۱. شفاف سازی اهداف و ارزش های علوم انسانی اسلامی؛

۲. توصیف روندهای علوم انسانی اسلامی؛

۳. تبیین شرایط علوم انسانی اسلامی؛

۴. تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل در علوم انسانی اسلامی؛

۵. ارزیابی گزینه‌های محتمل پیش روی علوم انسانی اسلامی و انتخاب مطلوب‌ترین گزینه به منظور تعیین خط‌مشی مناسب برای دستیابی به آن.

در بررسی موضوع آینده‌پژوهی و علوم انسانی اسلامی با دو مقوله روبه‌رو می‌شویم: نخست، آینده علوم انسانی اسلامی؛ این موضوع نوعی آینده‌پژوهی با موضوع علوم انسانی اسلامی است. بدین معنا که به دنبال مطالعه علوم انسانی اسلامی در ظرف آینده هستیم. احتمالات و گزینه‌های محتمل، از جنبه‌های گوناگون برای آینده علوم انسانی اسلامی لحاظ و به شکل علمی طرح و بحث می‌شود.

دوم، علوم انسانی اسلامی آینده؛ علوم انسانی اسلامی که به آینده نگاه دارد و در پی پاسخ‌گویی به موضوعاتی است که در آینده رخ می‌دهد یا در پی پاسخ‌گویی به موضوعات کنونی است که به طور عینی در آینده ظهور و بروز پیدا می‌کنند.

آینده علوم انسانی اسلامی را باید به عنوان مطالعات مقدماتی برای علوم انسانی اسلامی آینده در نظر گرفت. جنبه‌هایی که در ذیل مطالعه آینده علوم انسانی اسلامی جای می‌گیرد، گوناگون است. یکی از آنها پاسخ به این پرسش است که آیا علوم انسانی اسلامی در آینده قادر است همه نیازهای جامعه را تأمین کند؟ و اگر سهم خاصی در تأمین نیازها دارد، سایر سهم‌ها به چه دانش‌هایی مربوط می‌شود؟

پاسخ اولیه پرسش روشن است؛ زیرا حتی برای وضع کنونی هم تمام نیازهای ما، نیازهای علوم انسانی اسلامی نیست، اما باید دید که در مطالعات آینده علوم انسانی اسلامی این نیازهای چندگانه و چندلایه انسان تا چه اندازه و هرکدام با چه اولویت‌هایی ظهور و بروز دارد؟ باید نگاهی دقیق به این حوزه داشت. برای مثال، آینده علم فقه به دلایلی همچون دگرگونی فهم و درک فقیه از منابع و مدارک احکام و دگرگونی در موضوعات احکام نیاز به آینده‌نگری دارد. هر روز ممکن است دسته‌ای از موضوعات سابق که دارای حکم مشخص بوده‌اند، به جرگه موضوعات جدید بپیوندند و حکم جدیدی را طلب کنند. مثلاً خرید و فروش خون در گذشته حرام بوده است، اما هم‌اکنون آن را جایز می‌دانند. منشأ این تغییر فتوا، تغییر موضوع است. می‌گویند چون اکنون امکان استفاده عقلایی از خون وجود دارد، موضوع حرام بودن دگرگون شده است. موضوع حرام بودن، خونی بود که امکان استفاده عقلایی نداشت و اکنون امکان استفاده عقلایی از خون وجود دارد.

نمونه‌های زیادی وجود دارد که در بستر زمان بر اثر روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و وجود مصلحت‌هایی، برای آنها تغییراتی حاصل شده و حکم جدیدی پیدا کرده‌اند؛ مثل پیوند

اعضای بدن انسان‌ها، مجسمه‌سازی، ستاره‌شناسی، وضع زکات بر اسب در زمان علی (ع)، پوشش لباس، احیای موات و تصرف در انفال. همچنین در علم اقتصاد نیز تدوین برنامه‌هایی مفید برای آینده اقتصادی، نیازمند شناسایی مسئله‌ها و تنگناهای اقتصادی آینده و روش برخورد صحیح علوم اقتصادی کنونی با آنها و شناسایی نیاز به علوم اقتصادی نوظهور برای به گردش در آوردن چرخ‌های اقتصاد آینده است.

هم‌اکنون علوم انسانی اسلامی پویایی لازم را ندارد. با این تفاسیر، آینده که پیچیده‌تر است و شخصیت انسان هم چندلایه‌تر است، اگر سرگذشت علوم انسانی اسلامی در آینده مطالعه نشود، طبعاً در فضای تاریکی وارد صحنه می‌شود که ممکن است محتوای عمیق خودش را نتواند به جامعه ارائه کرده و نفوذ و حضور مؤثری در آن بیابد.

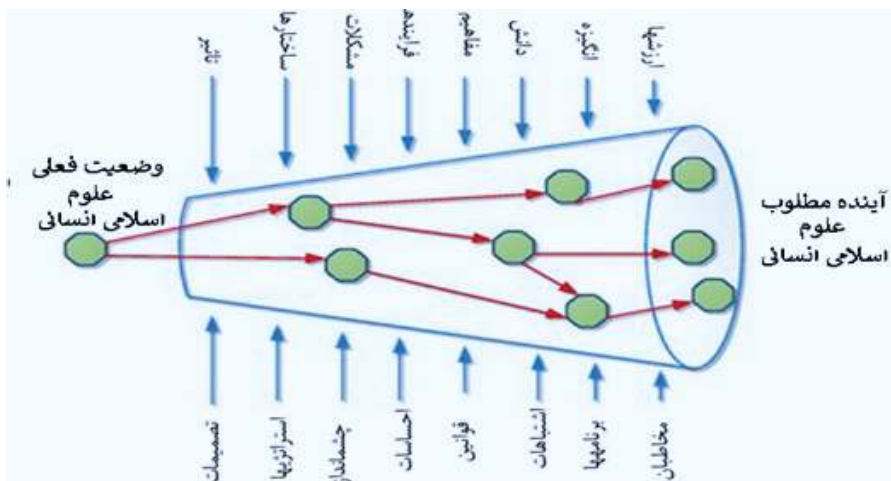
با توجه به اینکه در آینده، موضوعات جدید، یکی پس از دیگری جای یکدیگر را می‌گیرند، گاهی موضوع قبل از اینکه فرابرسد می‌میرد و موضوع دیگری جای آن را می‌گیرد. موضوع وضعیت مطلوب علوم انسانی اسلامی در آینده باید در صدر مطالعات علوم انسانی اسلامی قرار گیرد. به این معنا که علوم انسانی اسلامی در چه شرایطی می‌تواند کارکرد و فعالیت مطلوبی داشته باشد؟ بنابراین اکنون باید آن شرایط را تدارک دید.

برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، ادبیات جامعه آینده را نیز باید بررسی کرد؛ نوع مفاهیم و نوع مکالمه و نوع ارتباطی که جامعه آینده با توجه به انفجار اطلاعات و رفتن به سمت وضعیتی پیچیده با آن روبه‌رو می‌شود. در این وضعیت آیا علوم انسانی اسلامی می‌خواهد ادبیات فعلی خودش را حفظ کند و در آینده جایگاه انفعالی داشته باشد یا باید برای این مقوله هم فکری کرد؟ روش عرضه علوم انسانی اسلامی به جامعه، از جمله مطالعات لازم در این زمینه است. گزینه‌های گوناگون را باید در مطالعات آینده‌پژوهی رصد و شناسایی کرد و با تعریف بهتری به سمت آن پیش رفت. در کنار بررسی «آینده علوم انسانی اسلامی»، بررسی «علوم انسانی اسلامی آینده» هم اهمیت دارد که حتی مهم‌تر و اصلی‌تر است. همان‌گونه که گفته شد، اینها موضوعاتی اند که تمام محورهای آن هنوز محقق نشده و بخشی از آن در آینده تحقق می‌یابد.

هویت بعضی از موضوعات مربوط به حال و آینده، توأمان با یکدیگر است و به هم ارتباط دارد؛ یعنی حال و آینده، با هم، ماهیت آن موضوع را تشکیل می‌دهند. برای نمونه، موضوعاتی وجود دارند که تا به آینده آنها نگاه نشود، نمی‌توان تمام واقعیت آن موضوع را در حال حاضر شناخت و حکمی برای آن ارائه کرد. شاید آینده بخشی از ذات این موضوعات پیچیده و مرموز باشد و برای تحقق، حال و آینده را توأمان با هم نیاز دارد؛ زیرا زمان حاضر، برای این موضوعات، عمر کوتاهی

دارد و قبل از اینکه تحقق یابد، آینده جای آن را می‌گیرد؛ به این معنا که به‌شدت به آینده وابسته است. بنابراین نمی‌توان این موضوع را بدون توجه به آینده مطالعه کرد.

با توجه به تقویت این اندیشه که آینده مطلوب، دست‌یافتنی است و بشر می‌تواند برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی کند، بنابراین ضرورت تصویرپردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی به‌منزله گامی مهم در دستیابی به آینده مطلوب است. در مسیر دستیابی به آینده مطلوب علوم انسانی اسلامی، مؤلفه‌های گوناگون بسیاری وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به چشم‌انداز، استراتژی‌ها، ساختارها، فرایندها، تصمیمات گرفته‌شده و... اشاره کرد. در شکل زیر، عوامل دخیل و اثرگذار در مسیر حرکت از وضعیت فعلی علوم انسانی اسلامی به آینده مطلوب آن مشخص شده است (شکل ۲).



شکل ۲. عوامل دخیل و اثرگذار در مسیر حرکت از وضعیت فعلی علوم انسانی اسلامی به آینده مطلوب آن

لزوم آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌های ایران

اغلب فعالیت‌های آینده‌پژوهی در کشور ناظر به ابعاد تکنولوژیکی و اقتصادی است و در حوزه علوم انسانی اسلامی، تا به امروز، فعالیت چشمگیری انجام نشده است. از سوی دیگر، با عنایت به جایگاه مهم علوم انسانی اسلامی در ایجاد پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، اهمیت فعالیت‌های آینده‌پژوهی در این حوزه بیش‌ازپیش خود را می‌نمایاند. به‌طوری‌که نهضت تولید علم در علوم انسانی، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، جنبش نرم‌افزاری در فرهنگ و آزاداندیشی در بنیان‌های دانش بر پایه اصل استقلال فرهنگی و سیاسی، مهم‌ترین نیاز برای دستیابی به الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی برای

رسیدن به جامعه‌ای پیشرفته و عدالت‌محور است. بنابراین، باید پرداختن به آینده‌پژوهی و داشتن دیدگاهی آینده‌نگارانه را به عنوان یکی از ضروری‌ترین مسائل برای دانشگاه‌های فعال کشورمان در حوزه علوم انسانی اسلامی در نظر بگیریم و بکوشیم این مهم در تمامی ابعاد مدیریتی و توسعه‌ای مدنظر قرار بگیرد. در «جدول ۱» نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی مشخص شده است.

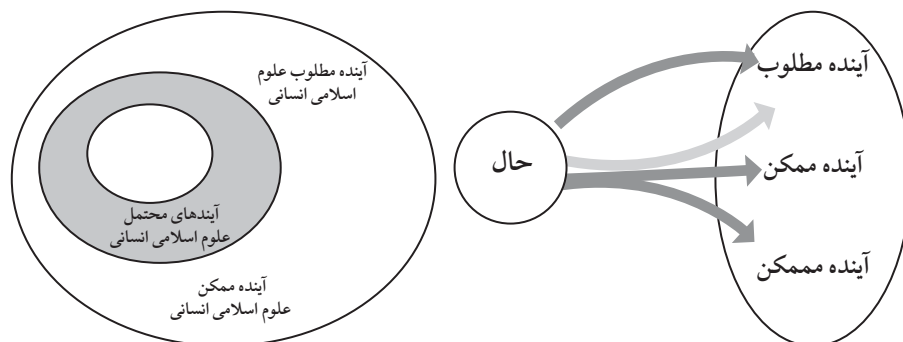
جدول ۱. نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی

هدف کلان دانشگاه	نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به هدف
تولید و اشاعه دانش اسلامی تخصصی هدفمند در رشته‌های علمی لازم برای تولید، تحول و ارتقای علوم انسانی	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی حوزه‌های تحقیقاتی نوظهور در علوم انسانی اسلامی - تبیین نقش هریک از علوم انسانی اسلامی در طراحی آینده مطلوب جامعه اسلامی - تدوین نقشه راه علوم انسانی اسلامی - مشخص شدن ظرفیت‌ها و امکانات هریک از علوم انسانی اسلامی برای دستیابی به آینده مطلوب اسلامی - طراحی و تبیین مسائل نوپدید علمی و فرهنگی پیش روی جامعه اسلامی برای بهبود وضع معنوی و فرهنگی آینده - آگاهی علمای علوم انسانی اسلامی از شرایط و نیازهای زمان خود و آینده و مشارکت تمام اندیشمندان و فقها به منظور شکل‌بخشیدن به آینده اسلامی - چشم‌اندازسازی، تجسم و ایجاد تصویری غنی از علوم انسانی اسلامی آینده
تربیت نخبگان علمی متعهد به اسلام، منطبق بر دانش اسلامی تخصصی در رشته‌های لازم	<ul style="list-style-type: none"> - پیش‌بینی مشاغل لازم در آینده مطلوب جامعه اسلامی و تربیت نخبگان - تبیین آرمان‌ها و ارزش‌های جدید و لازم برای تربیت نخبگان علمی به منظور دستیابی به آینده مطلوب اسلامی - مطالعه گونه‌های آینده‌های مطلوب علوم انسانی اسلامی برای آماده‌سازی نخبگان - تربیت اندیشمندان در حوزه‌ها و رشته‌های گوناگون علمی با اتکا به نقشه راه علوم انسانی اسلامی
پی‌ریزی الگوی دانشگاه اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش قطب‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی بومی محور با توجه به نقشه راه علوم انسانی اسلامی برای تحولات شالوده‌شکنانه - شناسایی مسئله‌های آتی علوم انسانی اسلامی برای برخورد پیش‌دستانه و آینده‌نگرانه و آفریدن محیطی شایسته برای تکامل انسان‌ها - تبیین آینده مطلوب علوم انسانی اسلامی برای جذب اساتید برتر

فرایند پیشنهادی آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی براساس نظر جوزف وروس

برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی با سه پرسش اساسی رویه‌رو هستیم:

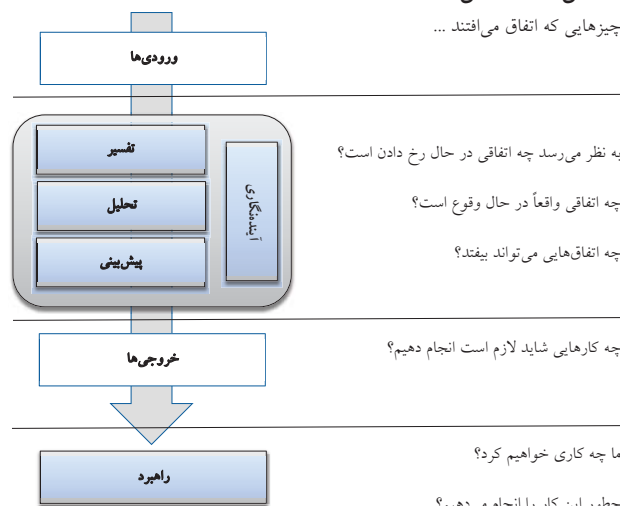
۱. وقوع کدام آینده‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی ممکن است؟
۲. وقوع کدام آینده‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی محتمل است؟
۳. وقوع کدام آینده‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی مطلوب است؟ (شکل ۳)



شکل ۳. انواع آینده در حوزه علوم انسانی اسلامی

بنابراین به منظور آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی پیشنهاد می‌شود از فرایند آینده‌نگاری راهبردی براساس نظر جوزف وروس استفاده شود. چهارچوب فرایند آینده‌نگاری جوزف وروس، از چهار فاز کلی، همچون شکل ۴، تشکیل شده است.

چیزهایی که اتفاق می‌افتند ...



شکل ۴. چهارچوب فرایند آینده‌نگاری جوزف وروس (وروس، ۲۰۰۳، ص ۱۲)

گام نخست: ورودی‌ها

جمع‌آوری اطلاعات و بررسی آنها از نظر آگاهی استراتژیک. روش‌ها و چهارچوب‌های بسیاری برای این اصل وجود دارند که از بین آنها روش‌های دلفی و پویش محیطی شاید بهترین گزینه‌ها باشند. ابزارها و روش‌های هوش جمعی نیز در اینجا به کار می‌آیند.

گام دوم: آینده‌نگاری

این گام را می‌توان به‌عنوان مرحله‌ای در نظر گرفت که شامل سه گام کوچک‌تر با توالی منطقی است. این گام‌ها عبارت‌اند از:

- تحلیل که گام نخستین کار عمقی در نظر گرفته می‌شود. پرسش اصلی چنین است: چه اتفاقی در حال وقوع است؟ برخی ابزارهای رایج در اینجا عبارت‌اند از: تحلیل روند، ماتریس‌های اثر متقابل و سایر روش‌هایی همچون فن‌های تحلیلی.
- تفسیر که عبارت است از این پرسش: در واقع چه اتفاقی می‌افتد؟ تفسیر در پی آن است که زیرسطح تحلیل موردنظر را بررسی کند تا ساختار و بینشی عمیق فراهم آید. این مرحله جایگاه مطالعات انتقادی، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تفکر سیستمی و سایر رویکردهای عمق‌بخشی نسبت به تفکر در خصوص آینده است.
- پیش‌بینی که با استفاده از آن، عملکرد نگاه هدفمند به آینده و ایجاد دیدگاه‌های آینده‌نگر، شرح داده می‌شود. این مرحله جایی است که دیدگاه‌های گوناگون در خصوص گزینه‌های موجود به‌دقت بررسی یا ایجاد می‌شوند. در واقع در اینجا سناریوها، تعیین چشم‌انداز یا روش‌های هنجاری واقع شده‌اند.

گام سوم: خروجی‌ها

خروجی‌های کار آینده‌نگاری، دوگانه است: ملموس و غیرملموس. برخی خروجی‌های ملموس می‌تواند شامل طیف واقعی گزینه‌های ایجادشده در فرایند تحقیق باشد. خروجی‌های غیرملموس نیز شامل مواردی نظیر تغییر در تفکرند.

گام چهارم: استراتژی

از آنجاکه پیش‌بینی و آینده‌نگاری کار خود را انجام داده‌اند، اکنون وقت آن است که نتیجه کار به تصمیم‌گیرندگان ارائه شود تا استراتژی موردنظر را انتخاب و اجرا نمایند. نتایج فرایند استراتژی باید

به‌طور مداوم به اطلاع ورودی‌های کل چهارچوب پیش‌بینی برسد، به‌گونه‌ای که ارزیابی دوباره، مداوم و اصلاحات دوره‌ای در طی مسیر استراتژیک انجام شود (وروس، ۲۰۰۳، صص ۱۸-۱۳).
براساس نظر جوزف وروس، فرایند پیشنهادی مربوط به آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی اسلامی این پژوهش، در «شکل ۵» نمایش داده شده است. در هر بخش از این فرایند، تعدادی روش استفاده خواهد شد که به تفکیک آمده است.



شکل ۵. فرایند آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی براساس نظر جوزف وروس

با توجه به شکل شماره ۵، به راحتی می‌توان سه مرحله نخست از چهار مرحله روش آینده‌نگاری جوزف وروس را شناسایی کرد (ورودی‌ها، آینده‌نگاری و خروجی‌ها)، ولی درخصوص مرحله چهارم که شامل استراتژی‌های لازم برای اسلامی‌سازی علوم انسانی بوده است، این امر باید از سوی خبرگان این حوزه و در سطح کلان کشور مشخص شود. گفتنی است که مطابق با روش آینده‌نگاری جوزف وروس، خروجی سه مرحله نخست، استراتژی‌ها (یا همان گام چهارم) است.

نتیجه‌گیری

تحول و تغییر، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده است و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. این تغییرات در آینده مسئله‌هایی را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... برای جامعه ایجاد خواهند کرد. یکی از حوزه‌های مهمی که باید توجه ویژه‌ای به آینده آن داشت، حوزه علوم انسانی است.

نقش آشکار علوم انسانی در تبیین مبادی و مبانی علوم تجربی و ریاضی، مؤید جایگاه خطیر علوم انسانی است و علوم انسانی، عامل تعیین‌کننده اهداف، غایات و روش استفاده علوم دیگر است. علوم انسانی موجود در کشور، به‌رغم خوبی‌ها و خدماتی که داشته است، براساس مبانی و تفکرات اومانستی، پلورالیسم، سکولاریسم و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غربی و در راستای تأمین نیازهای انسان غربی طراحی، تولید و تدوین شده‌اند. ازاین‌رو، ضرورت اسلامی‌سازی این علوم و کاربردی کردن آنها بیش‌ازپیش بر همگان محرز است.

یکی از الزامات مهم برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی است. علوم اسلامی انسانی، دیدگاهی است که از تأکیدهای امام خمینی (ره) بر اسلامی‌کردن دانشگاه و سفارش‌های پرشمار مقام معظم رهبری (مدظله) بر تولید علوم و نظریه‌های مبتنی بر فرهنگ دینی و بومی برآمده است. روند کنونی پیشرفت کشور نیز نشان می‌دهد نیاز جدی به نظریات بومی و کاربردی در حوزه علوم انسانی اسلامی، به‌شدت در فضای مدیریتی جامعه احساس شده و به فراخور آن می‌بایست بخش مدیریتی کشور، توجه ویژه‌ای به صاحب‌نظران و متخصصان حوزه علوم انسانی اسلامی نماید.

با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه اسلامی‌سازی علوم انسانی، آینده‌پژوهی با رویکرد اسلامی و همچنین آینده‌پژوهی علوم انسانی، روشن شد که در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به مسئله آینده‌پژوهی علوم اسلامی انسانی، توجه ویژه‌ای نشده است و به‌تبع، فرایندی نیز برای آن وجود

ندارد؛ به این سبب و درحالی‌که تحول در علوم انسانی و سیاست‌گذاری کشور در جریان است، استخراج فرایندی برای آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، امری ضروری به نظر می‌رسد. این مهم حاصل نمی‌شود مگر با تدوین نقشه راه تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی که از سویی فرایند و مسیر تولید علوم انسانی از ابتدا تا گام‌های نهایی را در قالب الگویی اجرایی و معین ارائه کند و از سوی دیگر، وظایف و مأموریت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی گوناگون و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مؤثر در این حوزه را مشخص نماید.

با توجه به اهمیت موضوع آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی، در این پژوهش کوشیدیم تا به تبیین آینده‌پژوهی و علوم انسانی اسلامی، لزوم آینده‌پژوهی علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌های ایران، نقش آینده‌پژوهی در دستیابی به اهداف دانشگاه‌ها در حوزه علوم انسانی اسلامی بپردازیم و فرایند پیشنهادی برای آینده‌نگاری راهبردی علوم انسانی اسلامی را براساس نظر جوزف وروس ارائه کنیم.

کتابنامه

۱. احمدی، احمد، ۱۳۸۸، «جایگاه خطیر علوم انسانی»، نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۴، شماره ۲۱.
۲. فاضل قانع، حمید، ۱۳۸۸، «آینده پژوهی و جامعه مطلوب اسلامی»، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.
۳. خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۰، صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. هلودی، موسی، ۱۳۹۵، روشنای آینده، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۵. عرب بافرانی، محمدرضا و عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۹۶، «درآمدی بر آینده پژوهی در نظام مدیریت اسلامی از طریق مطالعه روش شناسی آینده پژوهی و اجتهاد در فقه امامیه»، فصلنامه مدیریت اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۳.
۶. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۴، «نظام نگرش آینده پژوهی اسلامی»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۴، شماره ۱۶.
۷. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۳، «امکان پذیری و چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی»، فصلنامه مشرق موعود، دوره ۸، شماره ۲۹.
۸. عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم، ۱۳۹۰، «نقش آینده پژوهان در شکل گیری آینده پژوهی اسلامی»، فصلنامه انتظار موعود، دوره ۱۱، شماره ۳۶.
۹. واعظی، سید کمال؛ قمیان، محمدمهدی و وقفی، سید حسام، ۱۳۹۶، «آینده پژوهی در علوم انسانی با رویکرد مدیریت دانش؛ ملاحظات، دستاوردها و اثرات» فصلنامه علمی مدیریت سازمان های دولتی، دوره ۵، شماره ۳ (پیاپی ۱۹).
۱۰. تیشه بار، ماندانا، ۱۳۹۱، آینده پژوهی در مطالعات استراتژیک، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. عبدی، اسماعیل، ۱۳۹۲، «درآمدی بر آینده شناسی خط مشی ملی و تحول در علوم انسانی»، فصلنامه مطالعات آینده پژوهی، دوره ۳، شماره ۵.
۱۲. تقوی، مصطفی، ۱۳۹۲، «علم انسانی اجتماعی اسلامی: مسئله امکان پذیری و راهبردهای رشد»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۹، شماره ۳۴.
۱۳. کریمی، محمود، ۱۳۹۶، «مبانی انسان شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۰، شماره ۲.

۱۴. محیطی اردکان، محمدعلی و مصباح، علی، ۱۳۹۱، «بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح»، فصلنامه معرفت فلسفی، سال ۱۰، شماره ۱.
۱۵. همدانی، مصطفی، ۱۳۹۹، «نظریه هنجاری در علوم انسانی اسلامی با تأکید بر روش اجتهاد»، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره ۷.
۱۶. منطقی، محسن؛ الویری، محسن؛ رحمانی، جعفر و ابروش، رضا، ۱۳۹۷، «ارائه مدل مفهومی روش شناسی آینده پژوهی اسلامی»، مجله مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۶، شماره ۵۰.
۱۷. میرزاپور ارمکی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، «اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن»، فصلنامه رهیافت، شماره ۴۹.
۱۸. میرنصیری، سید روح الله و ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۹۵، «هدف علوم انسانی اسلامی از منظر علامه طباطبایی، فصلنامه معرفت فلسفی، شماره ۵۳»
19. Voros, J, (2003), 'A generic foresight process framework', foresight, Vol. 5 No. 3.
20. Krawczyk & Slaugster, (2010), 'New generation of futures methods', Futures, Vol. 42, No. 1.